

شربتی نیانمی آید تا این نقش را بازی کند؟ (با خنده) من نگاه کردم و گفتم رضا شریفی نیا استخوانی است؟ خود کارگردان، خانم حاجیان و بقیه حاضران زدند زیر خنده! ببینید خب در آن کار هم حمید فرخ نژاد نبوده، پس باید کار را می خوابانند؟ نمی شود. من کاری به سیاست ندارم، اما فیلم را نباید به خاطر عقیده یک نفر نابود کرد. سرمایه گذار پولی گذاشته، عوامل دیگر امید داشتند دیده شوند و... هر کس را در قیر خودش می خوابانند. از نظر لِهجه هم هر دوی ما جنوبی غلیظ بلدییم، چون هر دو اهل آبادانیم. به همین دلیل با وجودی که صد درصد بازیگران بهتری از من در آبادان و خوزستان هست، اما آن لحظه تهیه کننده که مشترک بین سریال من و فیلم آن ها بود، من را دعوت کرد. به خاطر رفاقت با مهرداد و آقای سعدی، افتخاری هم کار کردم.

شما اهل آبادان هستید و برای چند اثر در سال های اخیر مثل «گل های باورده»، «پسر دلفینی» و «آبادان یازده ۶۰» لِهجه آبادانی داشتید. اگر باز هم پیشنهاد شود، قبول می کنید؟ نگران نیستید که این طور پیشنهادها زیاد شود؟

(با تاکید زیاد) صد درصد! این قدر ناراحتم که نتوانستم فیلم آقای باشه آهنگر را بروم. شاید باور نکنید، وقتی فیلمنامه اش را می خواندم، گریه کردم. خیلی دوست داشتم سر این کار باشم، اما فکر می کنم خدا نخواست. به هر حال من برای شهرم و برای مردم جان می دهم. تا جایی که در توانم هست، کار می کنم. لاف هم نمی زنم. دوستان می دانند، در سختی های آبادان مثل سیل آنجا بودم. واقعا آبادان و خوزستان یتیم است. شک نکنید. از حاجی سعدی هم پرسیدم چرا آبادان کار می کنی؟ می گفت این قدر که این مردم خون گرمند.

در این سال ها آثار طنز زیادی بازی کرده، ولی در نهایت برای فیلمی غیر کمدی از جشنواره فیلم فجر جایزه گرفتید. این اتفاق به شما کمک کرد که در یک سال اخیر پیشنهادهای غیر کمدی بیشتری داشته باشید؟

وقتی در دانشگاه درس بازیگری می خواندم، همیشه کارهای جدی و تراژیک ها را دوست داشتم و این را همه دوستانم می دانستند. آقای رادش دوست خومم بازیگر طنز بسیار خوب، خیلی به من پیشنهاد می داد که کمدی بازی کنم، و من وارد این کار شدم. این اتفاق برخورد کرد به سریال «ساعت خوش» و ما قابلیتش را داشتیم و معروف شدیم و... ولی همیشه دوست داشتم و پارسال هم گفتم که یکی از آرزوهایم این است که نقش یک عاشق دیوانه را بازی کنم، نقش یک جانباز را

بازی کنم. خواسته قلبی خودم بود. آثار جدی برایم خیلی راحت بود، ولی متأسفانه دقیقاً قبل از ممنوع الکاری ۳ ساله، استاد بیضایی خواست در یک پروژه اش بازی کنم، آقای مهرجویی می خواست با گروه مان کار کند، اساتید دیگری مثل آقای افخمی هم می خواست با این گروه کار کند و حتی «ضیافت» استاد کیمیایی هم قرار بود با بچه های «ساعت خوش» باشد و این را همه دوستان می دانند. مهران، من، رادش و... بودیم. یک نگاه اشتباه وجود داشت که الحمدلله در حال از بین رفتن است. مثلاً الان پژمان جمشیدی طنز کار می کند، اما دیدم در کار آقای رادان (علفزار) کار جدی کرده است. باید این اجازه را به بازیگرها بدهند، چون کار بازیگر این است. کار بازیگر این نیست که در یک ژانر بدر خشد و در ژانر دیگر خراب کند. تهیه کننده ها جرأت داشته باشند که برای اثر جدی، سراغ بازیگر آثاری کمدی بروند. در فیلم «ضد» آقای محمدرضا شفیعی این جرأت را داشت و آقای ربیعی هم به عنوان کارگردان همین جرأت داشت که با من کار کرد. این انتخاب هر دویشان بود که گفتند نادر سلیمانی می تواند این کار را انجام دهد. اکثر بازیگرها به من تبریک گفتند. مثلاً وقتی رفتم که فیلم شهاب حسینی را ببینم، به من گفت باورم نمی شد که این طوری کار کردی. خدا را هزار بار شاکرم. در کار مهرداد هم سعی نکردم طنز کار کنم. شخصیت ناخدا این جابسیار جدی، سخت و قالب ناپذیر، ولی باوجدان است که نشان می دهد جنوبی ها چه رگوریشه ای دارند. این خیلی مهم است. نقشم در «لاتاری» هم چیزی بین این دو بود. در سریال «ناله» هم بسیار جدی ام و نقشم بسیار متفاوت با یک گرم متفاوت است. خیلی از بزرگان دیدند و باورش نمی شد که این شخصیت منم. این را هم بگویم که دیگر کسی برای نقش طنز سراغ من نمی آید! (با خنده) اشکالی هم ندارد، تجربه خوبی است و امیدوارم نقش های خوبی بازی کنم.

کارنامه سینمایی شما به لحاظ کمیت و کیفیت تغییرات زیادی داشته. می خواهید ژانرهای جدید را امتحان کنید؟

در سال های اخیر در کار طنز کودک افتادم. چرا؟ به خاطر نگاهم به کودکان سرزمینم. به نظرم وظیفه ماست که اول به کودکان سرزمینم هنر را یاد بدهیم. اگر هنر در وجود کودکانمان درست زنده شود، به طور مثال اگر بچه ها، رد شدن از عرض خیابان را از پلیس راهنمایی و رانندگی یاد نگرفتند، وظیفه من است که با لباس کودک و... این را به کودک یاد بدهم و بگویم اگر می خواهی از عرض خیابان رد شوی، از خط کشی رد شو. حتی در سال ۱۴۰۰ که «ضد» را کار کردم، دقیقاً وسط تصویربرداری «بچه محل» بودیم. با آقای آقاچانزاده تهیه کننده هماهنگ کردم

و سر صحنه «ضد» رفتم. من نسبت به کار کودک دغدغه دارم و می گویم ای کاش ۷۰ درصد برای کودکان ساخته می شد؛ کودکی که لایق خوبی ها هستند. مثلاً فیلم «پسر دلفینی» را که من دوبله کردم، دیدید چقدر خوب فروخت. واقعا ما انیمیشن کم داریم. ممکن است سالی یک انیمیشن داشته باشیم و برای کودک کار نمی کنیم، چون می گوئیم فروش نمی کند. اکثر فیلم های سال های قبل برای کودک بود، اگر چه طنز بود.

شما به عنوان بازیگر تلویزیون شناخته می شوید، اما در نهایت در مهمترین جشنواره سینمایی کشور جایزه گرفتید و تقدیر شدید...

من در تلویزیون هم جایزه گرفته ام. من برای «باغ مظفر» جایزه بازیگری را در تلویزیون گرفتم و همچنین برای سریال «ستایش».

از یک منظر، شاید این اتفاق، کنایه ای باشد به این که اگر چه در تلویزیون دستمزدها پایین تر است و به جذابیت حوزه سینما نیست، اما از نظر هنر بازیگری، شاید نتوان گفت تلویزیون پایین تر است. نظر شما چیست؟

قالب سینما و تلویزیون فرق دارد؛ قالبها و حتی نماهایی که می گیرند، متفاوت است. حتی بیننده ها هم فرق دارد. بازیگری هم که به سینما می آید، می داند برای پرده ۱۲ یا ۱۳ متری بازی می کند. اما بگذارید کمی خالص تر و بی رودر بایستی بگویم، اصلاً دل تلویزیون به حال بازیگرش نمی سوزد. برای ما در تلویزیون کار می کنیم، ۱۰۰۰ بازی و بهانه درمی آورند. علتش را هم نمی دانم. ۲ درصد از آزادی هایی که در سینما هست، در تلویزیون نیست. این ها انتقاد نیست، من می خواهم بگویم باید زودتر بجنبید، چرا که فیلم ها و سریال های ماهواره آمده و باید تماشاگر جذب کنید. هدف تلویزیون این هست که تماشاگر را جذب کند، ولی بیشتر می خواهد به او آموزش بدهد. این یک ایراد است و من حاضرم در این باره حرف بزنم و بحث کنم. من خودم برای بچه ها آموزش می دهم. برنامه ای در شبکه ۵ داشتیم که بچه ها عاشقش بودند و حالا شبکه جام جم پخش می کند. من در «معله گل و بلبل» هم هستم و آن را با رویکرد آموزشی می سازیم. این ها درست، اما تلویزیون می خواهد سریال های بزرگ ترها هم تک بعدی باشد و بگوئیم شخصیت خوب، همیشه برنده است. در حالی که در واقعیت، خیلی وقت ها خوب ها ضرر می کنند. این ضعف فیلمنامه نویسی است که همیشه نیروهای منفی را ضعیف نمایش بدهیم. در حالی که در تمام دنیا می بینیم نیروهای منفی خیلی قوی اند، به طوری که دل خیلی از تماشاگران برای منفی ها می سوزد. من



همیشه

دوست داشتم

و پارسال هم

گفتم که یکی از

آرزوهایم این است

که نقش یک عاشق

دیوانه را بازی کنم،

نقش یک جانباز را

بازی کنم.

خواسته قلبی

خودم بود